

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبد اللطيف صديقي لندري
کانادا - ۱۷ آگست ۲۰۰۹

جشن استقلال

به مناسبت نودمین سالگرد استقلال افغانستان

جشن آزادی ما مژده آبادی ماست
نوجوانان وطن عز و سرافرازی ماست
اجنبی در وطنم، فتنه و بربادی ماست
بی گنه خفته به خون مایه بیدادی ماست

فَر آزادی از غیرت افغان باشد
جان سپردن به وطن رسم نیاکان باشد

در ره حفظ وطن همت پایا داریم
دید روشن ز مفاهیم و قضایا داریم
شوق پیروزی و بهروزی زایا داریم
شهرت جوهر شمشیر به دنیا داریم

بنده غیر شدن خصلت افغانی نیست
تابعیت ز جفا روح مسلمانی نیست

شور آزادگیت مردم افغان چه شده
خنجر و تیر و کمان توز انبان چه شده
هویت و غیرت تو از دم ایمان چه شده
دم عیسائی و آن جوشش دوران چه شده

شیر مردان وطن، ملت افغان بر خیز
ای فرو رفته به گردابه طوفان بر خیز

فتنه غیر کجاساتر پنهان گشته
دشمنان وطنم شاطر شیطان گشته
این نه شهیدیت که با زهر نمایان گشته
جمله گرگند، که در جامه چوپان گشته

راهستان پر خطر و بار گران می باشد
همت پیری و شمشیر جوان می باشد

ای وطندار خدا پشت و پناهت باشد
روشنی بخش دلم برق نگاهت باشد
غیرت و صولت تو مشعل راهت باشد
دشمنان غرقه بخون و عذرخواهت باشد

رنگ این بیرق بالنده به دوران بادا
سبزی و سرخ و سیاه تو نمایان بادا

وای از آن قوم که او فاقد آزادی بُود حیلہ و چال و فریبش همه بربادی بُود
شاهد عهد و وفایش همه مُنقادی بُود مرکب شہرت او توسن شیادی بُود

بنده غیر شدن خاصهٔ افغان نبود
سرخمی پیش عدو خصلت مردان نبود

یاد مردان وطن دائم و پایا بادا پایه و مایهٔ پیروزی فردا بادا
روضهٔ باغ وطن پرگل و بویا بادا ذکر نام خوش او گوهر گویا بادا

زینت دفتر ما صیت "امانی" باشد
این نه نامیست که او زاهق و فانی باشد

صیت = به کسر اول و سکون دوم یعنی "شهرت و آوازه"
زاهق = از بین رونده، نابود شونده، مقابل "باقی"